

سلام سبز

پیش پای تو زمین
نور باران می شود
سبزه‌ها سر می زند
غنچه فندان می شود

می شود نرم و لطیف
سنگ‌ها در راه تو
پشمه می گیرد بغل
عکس روی ماه تو

کوه‌ها هم پیش تو
می شود هموار و صاف
باد دور فیمهات
می کند سعی و طواف

فندۀ لب‌های تو
توی شب‌ها ماه ماست
آفتاب چشم تو
چلچراغ راه ماست

پس بیا تا روشنی
سوم چشم ما شود
با سلام سبز تو
زندگی زیبا شود

عبدالرضا صمدی



اشعار با صدای شاعران



زندگی، مرگ، درخت

زندگی، مرگ، هوا، جنگل، تاک*
مسرت لذت یک سایه پاک
رنج بی‌برگی باغ
درد قاموشی آواز کلاغ
داغ فط خوردن گنجشک و گل از صغمه فاک
مرگ آرام زمین

کاش امواج بزرگ بشری
مرد و زن
پیر و جوان
وقلاصه همه کس
بنویسند در رفت
و بفوانند نفس

علی اصغر نصرتی

*درخت انگور

شکفتن بهار

از بهان ابرها
بر زمین رسیده است
روی سنگ‌های سرد
بی‌صدا پکیده است
می‌دهد به دست عابران
بسته‌های رنگی ترانه را
در پیاده‌رو
پفش می‌کند
حرف‌های عاشقانه را
عطر نان تازه در اجاق‌هاست
شادمانی تمام اتفاق‌هاست
فرصت شکفتن بهار اندک است
بیشتر بمان
نام تو سلام
نام تو مبارک است...

طاهره شهبابی

نیایش بهاری

نوروز رسید و روی شافه
شیپور شکوفه را گشودند
سپاره سبزه را دوباره
بر پای درخت‌ها گشودند

در باغچه‌ها دهان غنچه
مانند لب من و تو وا شد
اهوال درخت فوب و فوش شد
رفت تن باغ نو نوا شد

در پاسخ نغمه‌های بلبل
بی‌پاره کلاغ در سکوت است
دستان درخت رو به فورشید
انگار به حالت قنوت است

همراه درخت و بلبل و گل
ما رو به خدا نماز خواندیم
گل‌های نیایش زمین را
بر بال فرشته‌ها نشاندم

مسعود طاهری عضد

خورشید

گله
ابرها تو را کنار می‌زنند
این طرف
تیره می‌شوی، ولی
آن طرف هنوز روشنی

ابرها
هرچه تیره، هرچه تار
عاقبت
کنار می‌روند

باز این تویی که می‌رسی
روی دوش آسمان آبی‌ات
با همان نگاه گرم و آفتابی‌ات

بیوک ملکی

تازه شد

گل شلفت و شوق آن گل پهره از سر تازه شد
وای جان من! که بر دل داغ دیگر تازه شد

گرد آن رفسار گلگون فط زنگاری دمید
همچو اطراف چمن کز سبزه تر تازه شد

آمد از کویت نسیمی، غنچه دل‌ها شلفت
گلشن جان زان نسیم روح پرور تازه شد

تا گذشته همچو آب فتن بر طرف چمن
هر فس و فاشاک چون سرو و صنوبر تازه شد

ز فم‌های تیر مرگان سر به سر آورده بود
چون نمک پاشیدی از لب‌ها، سراسر تازه شد

تازه شد جان هلالی، تا به فون عاشقان
رسم فونریزی از آن شوخ ستمگر تازه شد

هنالی جغتایی
(قرن دهم هجری)

بیشتر بخوانیم

درخت، پیراهنش را به باد خواهد داد

در شعرهای این کتاب می‌توان روحیه لطیفی را مشاهده کرد. در واقع عطفه‌هایی در قالب شعر نو بیان شده‌اند. شاعر از عنصرهای طبیعت برای بیان احساس خود استفاده کرده است. شعرها به دو بخش نیمایی و سپید تقسیم می‌شوند. شعر «نشانی از بهار» در بخش نیمایی

آمده است و می‌گوید: «نه از دریا نه از باران، نه از گیسوی سرسبز درختان، نه از سرخ گل و سبز جوانه، بهار از سمت دستان تو می‌آید به خنجه»

نام مجموعه: شعر شبان
مؤلف: انیسه موسویان
سال چاپ: ۱۳۹۹
ناشر: انتشارات گویا

